

به آگاهی خوانندگان گرامی میرساند که ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی
روی شبکه اینترنت قرار گرفته است.

Http://WWW.Ettelaat.com نشانی:

June/July
1999

ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی به استناد گواهی شماره ۱۳۷۴/۹/۱۱ مورخه ۳/۲۹۱۰/۵۷۷ وزارت فرهنگ و آموزش عالی، نشریه علمی-ترویجی شناخته شده است.

در این شماره

- اندیشه‌ورزی، فرهنگ و تمدن سازی / دکتر سید علی اصغر کاظمی ۴
- بهارهای ناپایدار دموکراسی، و بهار دوم خرداد / عبدالرضا سالار بهزادی ۱۶
- قانون اساسی و حقوق شهروندان / محسن خلیلی ۳۰
- سربازی خوب، پادشاهی بد (نقد کتاب) / دکتر مصطفی رحیمی ۳۸
- اندیشه‌ای درباره تئوری و کار کرد حکومت مردم سالار / کارل پویر (ترجمه کورش زعیم) ۴۸
- احزاب سیاسی و کثرت گرایی در جهان سوم / بی.سی. اسمیت (ترجمه دکتر امیر محمد حاجی یوسفی) ۵۸
- روند تحکیم دموکراسی در کشورهای در حال توسعه / مالاک پویوچ-پانول سرجیوتی نیرو (ترجمه اسفندیار غفاری نسب-دکتر جهانگیر جهانگیری) ۷۰
- آمریکا: ابرقدرت تنها؛ گذار از نظام تک قطبی- چند قطبی / پروفیسور ساموئل هاتینگتون (ترجمه مجتبی امیری وحید) ۸۲
- رویکردی نظری به نقش آفرینی اتحادیه اروپا / دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی ۹۲
- برخی مشکلات و موانع بر سر راه اتحاد اروپا / ناصر سالم پور ۱۰۴
- توسعه پایدار از راه درونی ساختن هزینه‌ها؛ مبانی تئوریک برای تحلیل و اصلاح ساختارهای جهانی / پروفیسور محسن مسّرت (ترجمه عزیز کیاوند) ۱۱۴
- مکتب نوسازی و معضل تبیین تغییر و توسعه / دکتر طاهره قادری ۱۲۶
- تغییرات صنعت در مقیاس جهانی و نقش سرمایه گذاری / ترجمه سیما صیامی نمینی ۱۳۴
- آشنایی با آژانس چند جانبه تضمین سرمایه گذاری (MIGA) / دکتر احمدقلی زاده ۱۵۶
- بازتاب قیمت نهاده‌های اوّلیه بر شاخص بهای تُر زیر بخش صنعت / حسین باستانزاد ۱۶۶
- کشاورزی ایران / سید علی میلانی ۱۷۲
- سیاست اصلاحات در اقتصاد روسیه چین / دکتر ناصر خادم آدم ۱۸۶
- اصلاحات ارضی و استرداد واحدهای کشاورزی در اروپای شرقی / ترجمه دکتر زهره جوزدانی ۲۰۰
- * بیانیه ایرانسرای فردوسی ۲۰۸
- * معرفی کتاب ۲۱۰
- * فرم اشتراک ۲۱۲

توسعه پایدار از راه درونی

ساختن هزینه‌ها

مبانی تئوریک برای

تحلیل و اصلاح

ساختارهای جهانی

نوشته پروفیسور محسن مسترت*

استاد دانشگاه اوزنبروک آلمان

ترجمه عزیز کیاوند

منبع:

Ecological Economic,

vol. 22(1997)

چکیده

در ۲۵۰ سال گذشته، سرمایه‌داری منشاء ثروت و ناز و نعمت فراوان بوده است. دلایل عمده‌ی این امر عبارت است از تأثیر متقابل بسیج پویای منابع و تخصیص کارآمد عوامل تولید، به کارگیری برتری نسبی هزینه‌ها (comparative cost advantages) از راه‌های قوانین بازار، برخورداری از پیشرفت‌های فنی، گسترش تجارت و رشد تولید کالاهای خدمات بخصوص در ارتباط با شرایط مناسب تاریخی و اجتماعی (روابط شهر و روستا، روابط دولت با قشرها و طبقات، جغرافیای رشد سرمایه). از این نظر، سخن اقتصاد شناسان کلاسیک نو کلاسیک از زمان آدام اسمیت تا کنون درست از آب درآمده است. اما، فرض این مکتب که دست نامرئی بازار، تولید ثروت بین کشورها و مناطق فقیر و غنی را تعديل خواهد کرد، درست از آب در نیامده است. بر عکس، شکاف بین کشورهای فقیر و ثروتمند بیشتر شده است.

تناقض بین نظریه واقعیت به هیچ وجه تصادفی نیست. اقتصاد کلاسیک نو کلاسیک، شرایط برابری کامل بین همه بازیگران بازار جهانی را مری مسلم می‌انگاردو عوامل غیر اقتصادی مانند استفاده از قدرت به عنوان اهرمی برای افزایش ثروت را نادیده می‌گیرد. افزون بر این، شرایط ابیاشت سرمایه و رشد مصرف از راه بهره برداری را یگان از طبیعت، که تعادل حیات و محیط زیست آن را ایران می‌کند، نادیده گرفته‌می‌شود.

این نادیده گرفتن مداوم، نه فقط ضربه‌هایی مرگبار برپیکر نظریه کلاسیک فرودمی آورد بلکه بر سیاست نیز اثر می‌گذارد. تردیدی نیست که مکتب نو کلاسیک برای معضلات عصر حاضر یعنی تابه‌بری در سطح جهان و بحران محیط زیست راه حلی نشان نمی‌دهد. اقدامهایی منفرد که اعمال شده است، مانند برنامه دگرگونی ساختاری، صندوق بین المللی پول، غالباً پامدهای اجتماعی و زیست محیطی معکوسی بهار آورده است. بنابراین پیش شرطی مهم برای طراحی استراتژیهای اصلاحات در چشم انداز جهانی این است که برخی از نقص‌ها و کمبودهای بنیادی نظریه اقتصادی را برجسته مسلط را بشناسیم و از سرمه برداریم.

مقاله حاضر: (الف) این ایده را مطرح می‌کند که نابرابری قدرت سیاسی و اقتصادی در طول تاریخ،

موجب شده است که باز هزینه‌های اجتماعی و زیست محیطی بر قشرها، نیروهای اجتماعی ضعیف یا کشورهای دیگر و نسلهای آینده تحمل گردد و همین امر است که موجب پیدا شدن ساختارهای ناپایدار در اقتصاد جهانی و ایجاد بحرانهای اجتماعی و زیست محیطی شده است و (ب) ثابت می‌کند که درونی ساختن یا تغییر هزینه‌های تحمیلی از راه ایجاد شرایط بنیادی جدید در اقتصادهای ملی و اقتصاد جهانی ضرورتی اجتناب ناپذیر برای توسعه پایدار آن است.

۱- تئوری (نظریه) «هزینه‌های تحمیلی»^۱

نهادن باز هزینه‌های بر دوش دیگران، نزد پیروان نظریه نو کلاسیک ناشناخته نیست. آلفرمارشال دریافت که بالابودن سطح تعلیم و تربیت عمومی کارگران بر سود بینگاه اثر مثبت دارد (Marshall, 1980). این نوع انتقال هزینه در درون حوزه اقتصاد ملی انجام می‌گیرد و می‌تواند در خدمت رشد ثروت برای کل جامعه باشد. اما انتقال مخارج زیست محیطی به دیگر مناطق یا به نسلهای آینده، که در کوتاه مدت برای نسل حاضر سود آور است، قطعاً با اثرات منفی زیست محیطی و اقتصادی برای دیگران یا سلسله‌ای آینده همراه خواهد بود. در این رابطه، در اقتصاد محیط زیست از اثرهای برونی^۲ سخن می‌رود. آر پیگو^۳ به حساب نیاوردن هزینه‌آلودگی ناشی از دود کارخانه‌هار در حسابداری هزینه نمونه‌ای از تحمیل هزینه‌ها بر جامعه یا بر دیگران (دانست 1920).

اقتصاد محیط زیست هزینه‌های تحمیل شده را به آن نوع هزینه‌های ناشی از تخریب محیط زیست محدود می‌کند که در صورت هزینه‌های جاری مانظور نشده باشد. کارل ویلیام کاپ^۴، تحمیل هزینه‌هار بر جامعه یا بر دیگران به شکلی جامعتر و به تفصیلی بیشتر تحلیل کرد (Kapp, 1950). کاپ تعریفی دقیق تر و کاملاً از هزینه‌های تحمیل شده به دست داد^۵ و آن را هزینه‌های اجتماعی^۶ نامید. هزینه‌های اجتماعی عبارت است از «زیانهای مستقیم یا غیر مستقیمی که بر اثر فعلیت‌های بی‌بندویار اقتصادی بر جامعه یا بر اشخاص تحمیل می‌شود. این قابل هزینه‌های اجتماعی به شکل ایجاد آسیب بر

تحلیل خواهد شد. این امر بالرای نمونه هایی انجام خواهد شد که اهمیت جاری و تاریخی دارد، و هر یک جنبه ای مهم از شکل گیری ساختارهای اقتصادی پایدار جهانی را به نمایش می گذارد.

سلامت انسان، نابودی اموال یا کاهش ارزش دارایی مردم^{۱۰}، ومصرف بی رویه منابع طبیعی و زوال زویس آنها جلوه گرمی شود.» (Kapp 1936، p.10)

۱-۲) هزینه های تحمیلی اجتماعی در آغاز

تولد سرمایه داری

تلاش در راه کسب ثروت و دستیابی به ناز و نعمت به بهای ایجاد زیان و ضرر برای دیگران پدیده تازه ای نیست. اما البته با آغاز انقلاب صنعتی و توسعه سرمایه داری در اروپا بن شیوه افزایش ثروت راه داشتی خود را یافته و ویژگی جدیدی پیدا کرد که در قیاس با دورانهای پیش از آن بی نظر بود. افزایش شمار ثروتمندان و تمکن صاحبان کارخانه هادر دوران انقلاب صنعتی، همراه با توسعه پویای سرمایه داری در اروپا از طرفی ناشی از افزایش بهر وری^{۱۱} و عملکرد مبتنی بر داشتن فنی (تکنولوژی) و از سوی دیگر ناشی از تحمیل جهانی هزینه های اجتماعی بود که از راه کاهش سطح مزدها، افزایش ساعتها کار و به کار گرفتن زنان و کودکان در کارخانه ها و معدنها حاصل شده بود. مازاد کار گر که در آغاز ناشی از مهاجرت ابوجه روستاییان به شهرها بود، به رقابتی بی رحمانه برای استفاده از نیروی بازوی کار گر با مزدی نازل انجام نمی بود. در آثار و پیامدهای منفی این امر بر سلامت انسان و بر شرایط کاروزندگی او و سرانجام بر منابع انسانی از راه کاهش طول عمر، هیچ تردیدی نیست. مازاد نیروی کار و عجز و ناتوانی کار گران و استهانه در برابر استیلای همه جانبه طبقات متمنگ، بهره کشی بی رویه و بی رحمانه از نیروی کار را از راه تحمیل هزینه های اجتماعی از محل کار به درون خانواده و از شهر به روستاممکن ساخت. در اینجا بود که بندهای نویعی نظام اقتصادی و اجتماعی و حقوقی دو محوری یا دو گانه (dual system) برای این قدرت سیاسی نابرابر، با اهمیت تاریخی، پاشیده شد. اکنون به شرح و تفصیل این امر می پردازم.

گرچه جنبش کار گری اروپا پس از چند دهه تلاش توانست بر نابرابری قدرت بین خود و کارفرمایان فایق آید و تحمیل هزینه های اجتماعی را به میزانی محسوس به نفع خود کم کند اما نه نظام دو محوری قدرت سیاسی از بین رفت و نه مشکل

به عقیده من، مفهوم اصلی این تعریف هنوز هم صادق و کامل لاؤبل استفاده است. اما البته برخی از نکته های خاص آن باید جرح و تعدیل شود و دقت نکر گردد. خیلی بهتر است که هزینه های اجتماعی و هزینه های زیست محیطی را زیکدیگر جدا کنیم تا برای ساختارهای اقتصادی جهان که هم از نظر اجتماعی و هم از نظر زیست محیطی باید را و قابل دوام باشد راه حل های اصلاحی متفاوت و متناسبی پیدا کنیم. این ملاحظه و شماری از ملاحظات دیگر که حاصل پژوهش های نویسنده این مقاله می باشد، وی را در موضوعی قرار داده است که تعریفی جامعتر از مفهوم تحمیل هزینه ها را کند:

هزینه های تحمیل شده^{۱۲}، هزینه های اجتماعی و زیست محیطی واقعی است که افراد گروه ها و کشورهای ابر دوش جامعه، گروه های دیگر، کشورهای دیگر و نسل های آینده می گذارند تا خرج خود را به حداقل و سود خوبی را به حداقل بر ساندویز این راه به بهای محتن دیگران، بر ثروت و رفاه و رشد اقتصادی خود بیفزایند.

۲- شکلهای مختلف تحمیل هزینه

بطور کلی سه شکل اصلی هزینه تحمیلی قابل تشخیص است:

الف- تحمیل هزینه از راه تحریب برای گان محیط زیست؛

ب- تحمیل هزینه از راه ایجاد هزینه های اجتماعی برای دیگران؛

ج- تحمیل هزینه از راه مصرف برای گان مواد خام تجدید نشدنی.

در برآر تحمیل هزینه های زیست محیطی و معادل پولی آنها مطالعات مهمی انجام شده است^{۱۳} که در اینجا فقط به آنها اشاره می شود. در عرض، بررسی شکلهای تحمیل هزینه که تاکنون چنان که باید تشخیص داده نشده و پیوسته در بحث های علمی و سیاسی پنهان نگه داشته شده موردن توجه قرار می گیرد. مکانیسم های اعمال هزینه هادر آغاز پیدا شی اقتصاد جهانی و مناسبات شمال-جنوب نیز

جهانی، آنچه بود تحمیل هزینه‌ها از راه اعمال خشونت و توسل به جهان‌بینی (ایدئولوژی) نزد گرایی به نفع اقلیت برخوردار از نعمتها و امتیازات کشور در درون نظام بود. تبعیض نزدی و وجود کارگر مهاجر، محله‌های در بسته کارگری، بر جهای تحمیلی و نواحی ویلایی تروتمندان، وجود حقوق و امتیازات ویژه برای گروهی اندک و محرومیت بسیاری از مردم از هر گونه حق و امتیازی، شکل‌هایی خفیف تراز نظام برده‌گی است اما در عین حال الگویی برای افزایش ثروت از راه تحمیل هزینه‌های اجتماعی می‌باشد که همیشه به کارگر فته شده است.

۲-۳) تحمیل هزینه‌های کار کشیدن از کودکان

کشیدن کار از کودکان در خور بدل توجه ویژه است زیرا این روش کاهش هرچه بیشتر هزینه‌های دوده‌ای خسیر چنان شتابی به خود گرفته که هشدار دهنده است. با وجود مقررات سازمان بین‌المللی کار، که کار کودکان را تا ۱۵ سالگی منع می‌نماید، در ۱۹۸۶ حدود ۲۰۰ میلیون کودک در سراسر جهان کار می‌کردند که در مقایسه با ۷ سال پیش از آن چهار برابر شده بودند (Pollmann, 1988). اکنون در پایان قرن بیستم شاهد بازگشت روشهای سرمایه‌داری منجستری هستیم که تصور می‌شده بیچاره باز ت Xiaoahed گشت. این روزهای این روشهای سرمایه‌داری در شماری از کشورهای نیمکره جنوبی دارد جای پای خود را محکم می‌کند. در جنوب، روز بمروز کودکانی بیشتر در بخش های که کالا برای صدور به کشورهای صنعتی تولید می‌کند مانند بخش معدن، بخش کشاورزی و صنعت نساجی به کارگر فته می‌شوند. آخرین مطالعه سازمان بین‌المللی کار حاکی از آن است که از هر چهار کودک یکی کار می‌کند.^{۱۴} برای مثال، افزایش شمار کارگران خردسال در صنعت فرش‌هند، موجب کاهش ناگهانی قیمت و ایجاد قابیت ویرانگر بین عرضه کنندگان فرش در بازار جهانی شد. سال‌های است که قالی دست‌باف پایگاه تجملی خود را از دست داده و به محصولی بدل شده که عرضه آن به بازار به شکل انبوده آمده است. حتی کشورهای صنعتی حول محور مسلط نظام دومحوری جهانی قادرند رقابت بی‌رحمانه کشورهای جنوب را در خدمت

هزینه‌های تحمیلی حل شد. بر عکس، آنگاه که نظام دومحوری بر پایه قدرت سیاسی نابرابر از اوپایه بیرون گام نهاد تا پایه‌های خود را در سطح جهان مستقر سازد، افزایش ثروت نابرابر نظام دومحوره نیز به سطح جهانی انتقال یافت که جهان که خواهیم دید این افزایش ثروت فقط تیجه تحمیل هزینه‌های اجتماعی نبوده بلکه شامل تحمیل روزافزون هزینه‌های زیست محیطی نیز بوده است.

۲-۴) تحمیل هزینه‌های اجتماعی از راه بیهوده کشی از بردگان در مستعمره‌ها

در آغاز انقلاب صنعتی، کشتزارهای مستعمره‌ها باینروی کاربرد گان ایجاد شد تا برای اروپا محاصلات کشاورزی و مواد غذایی و مواد مصرفی تجملی و لذت‌بخش از جمله قهوه، چای، کاکائو، مرکبات و میوه‌های گرسیری تولید کند و به بیان نازل و غیر واقعی (dumping prices) در اختیار اروپاییان بگذارد. هزینه‌های اجتماعی نهفته در این قیمت‌های غیر واقعی برگرده برد گان گذاشته می‌شد که باید بار محنت را بهای کاهش طول عمر خود بر دوش می‌کشیدند. گروهی به ادامه تندگی بدون برخورداری از همیچ حلقی در این نظام جدید جهانی محاکوم بودند. در حالی که گروههای دیگر، برده‌داران مستعمره‌ها و مصرف کنندگان اروپایی به کالاهای تجملی و لذت‌بخش فراوان دست یافتندو بر ثروت خود افزودند. برد گان مستعمره‌ها که نه حقی داشتند و نه دستشان به جایی بتبود، ابعاد ضاعف پایمال شدن حق توده‌های کارگری کشورهای مادر را به نمایش گذاشتند. این شکل افراطی حقوق نابرابر که برای حفظ و بقای افراطی ترین شکل هزینه‌های تحمیلی یعنی بهره کشی از نیروی کاربرد گان لازم بود، به توجیهی همان قدر افراطی نیاز داشت و در تیجه نظریه نزد گرایی (راسیسم) از آده شد. اگر نابرابر قدرت و حقوق درونی نظام دومحوری نادیده گرفته شود، تقسیم بین‌المللی کارهای بارهای ریان تجارت ناشی از آن می‌تواند از سوی نظریه‌های ساختارهای فکری اقتصاد کلاسیک و نوکلاسیک، به عنوان حاصل یاتیجه مزینهای نسبی هزینه‌ها^{۱۵} و نابرابری حجم عوامل تولید (نیروی کار، منابع طبیعی و سرمایه) تعییر شود. اماً واقعیت این است که در پشت این نوع تقسیم کار و تجارت در نظام دومحوری

● هر الگوی رشدی که
کلاً یا جزئی بر تحمیل
هزینه‌های اجتماعی یا
زیست محیطی استوار باشد
متکی به خود نخواهد بود و
بنابراین پایدار نخواهد
ماند.

● نظریه ارزش اضافی،
پایه خود را بروابط و
مناسبات تولیدی بین
طبقات اجتماعی نابرابر
قرار می دهد اما نظریه
هزینه های تحملی بر
مبادله نابرابر بین شرکتها،
منطقه ها، کشورها و
نسل ها انگشت می گذارد.

زمین یا عرصه در برابر شدی حدود مرز سرمایه «مصنوعی» (سرمایه مالی و صنعتی انباشت شده در تمایز با سرمایه موجود به شکل منابع طبیعی) به شکل منابع جدی جلوه گردید. اگر جنبش جهانی فراگیر امروز برای حفظ محیط زیست و همه معتقدان الگوی متداول رشد اقتصادی در صدد یافتن راهی برای تعیین نرخ بهره ای برای «سرمایه طبیعی» هستند تا قیمت هارابه سطح واقعی قیمت های زیست محیطی برسانند، کشورهایی که در قرن نوزدهم صنعتی می شدند، باعکس این مسئله رو به رو بودند، یعنی این که چه باید می کردند تا از بازه زینه اجاره زمین یا عرصه یعنی از باره زینه «سرمایه طبیعی» بر هند؛ یا به اصطلاح امروزی این باره ای دوش دیگران انتقال دهدند.

برای بیشتر کشورهای اروپایی که تجربه مستعد مراتی داشتند حل این مسئله آسان بود: پیشروی در همه جهات عالم در چرخش (۱۹۰۰) او تصرف مناطق فاقد جمعیت یا مناطقی که جمعیتی پراکنده داشتند، راندن ساکنان بومی از سرزمین شان در هرجا که تصور می شد نوعی تروت طبیعی بیندا می شود در بیان آن ورود ناخوانده به قلمرو جوامعی که توانایی اقتصادی و سیاسی حفظ رونوهاز طبیعی خود را در برابر مداخله خارجی نداشتند. این توسعه طلبی خارجی بر اساس توافق سیاسی داخلی صورت گرفت: مصالحه ای تاریخی بین جنبش کارگری سوسیال دموکراتی شده که برای دستیابی به ثروت و رفاهی بیشتر کوشش می کرد و جناهای سرمایه دار اروپایی. به اعتقادمن، این مصالحه هنوز هم پایه سیاسی الگوی رشد اقتصادی «جز ایران باشت ثروت و سرمایه» امروزی را تشکیل می دهد (Mas-sarrat, 1995). از راه دسترسی رایگان به ثروت های طبیعی دست نخورده که در جسم انداز آغاز قرن بیستم به ظاهر تجدیدشدنی بودند، و بهروری طبیعی بالاتر و گاهی خیلی بالاتر داشتند ممکن گشت که هزینه های سرمایه ای طبیعی در وهله اول به میزانی چشمگیر کاهش داده شود در وهله دوم قدرت اقتصادی مالکان زمین دار را کشور مبدأ اروپایی نیز در هم شکسته شود. ماهیت این توسعه طلبی جهانی، که در تاریخ توسعه بازار جهانی امری تازه است، باید در حذف کامل نقش مالکیت کشورهای صاحب مواد خام و انتقال این نقش به

گسترش هرچه بیشتر کالاهای تجملی با کمترین قیمت ممکن قرار دهندزیرا این کشورهای موضع و شرایطی قرار دارند که باره زینه های اجتماعی صنایع قالی بافی را بر کود کان و خانواده آنها تحمیل نمایند. در تیجه، تعدادی بی شمار از کود کان در معرض خطر بیمارهای ناشی از سل و بیماریهای عفونی ناشی از کم خونی، خستگی مفرط و خواصی قرار می گیرند، مهره های کمرشان جایه جامی گردد، قامت شان از حالت طبیعی خارج می شود و بینایی با ساختار استخوانی شان آسیب می بینند.

۴-۲) تحمیل هزینه های زیست محیطی از راه بهره کشی افراطی از منابعی که بازده

و بهروری پیشتری دارد

بازدهی و بهروری منابع، بسیار متفاوت است و بستگی به میزان تراکم و ترکیب شیمیابی، شرایط فیزیکی و مکان جغرافیایی آنها دارد. تفاوت بهروری طبیعی در مورد منابع تجدیدشدنی بهارزشیابی در بازارهای جهانی کشیده می شود و منشاء رانت نسبی^{۱۷} نیز هست. بر عکس، رانت مطلق عرضه^{۱۸}، حاصل تجدیدنابذری و امکان انحصاری شدن این منابع است. حاصل جمع هردو شکل (رانت)، بهره «سرمایه طبیعی»^{۱۹} یا هزینه های منابع سرمایه ای طبیعی را تشکیل می دهد^{۲۰} (Mas-sarrat, 1993).

این نرخ بهره از زیست محیطی که در بخش های امروزی زیست محیطی مطرح می شود، Schily, (1994) چیز تازه ای نیست، بلکه در همه اشکال سرمایه داری روبه توسعه سده های ۱۸ و ۱۹ هم در نظریه اقتصادی و هم در واقعیت جاری اقتصادی وجود داشته است. اقتصاد شناسان قدیم مانند آدام اسمیت، مالتوس و ریکاردو زمین را مانند کار و سرمایه یکی از عوامل تولیدی دانستند. فیزو کراتها حتی زمین و منابع طبیعی را منشاء همه تروت ها می پنداشتند. مارکس سه منشاء در آمده از یکدیگر جدا کرد. وی مزدرا قیمت کار، سود را بهرمه باقیت سرمایه و اجاره زمین را بهرمه یا بهای مالکیت بزرگین یا منابع طبیعی می دانست و هم او بود که بین دو منشاء اصلی ثروت مادی یعنی نیروی انسانی و منابع طبیعت فرق گذاشت.

در اروپای سرمایه داری سده های اخیر اجراء

● تقسیم کار بین المللی
نامترکارن کنونی، که در
چارچوب آن قاره‌هایی که
مواد خام چندانی ندارند
مواد خام مورد نیاز کشوری
مانند آمریکا را که از نظر
مواد خام غنی است تأمین
می‌کنند تتجیجه تحمیل انبوه
هزینه‌های استفاده از منابع
طبیعی از سوی کشورهای
صنعتی بر کشورهای
جنوب است.

قرن نوزدهم امری طبیعی بود، در قرن بیستم بهره‌کشی بی‌رویه، تولید مفرط و قیمت‌های نازل غیرواقعی متداول گشت، که نوکلاسیکها برخلاف واقعیت تاریخی، آنرا به عملکرد نمایش آزاد نیروهای بازار تغییر کردند. واقعیت این است که بخش‌های حاکم در نظامهای دومحوری به هم تنیده جهانی نیز در اینجام شخص می‌شوند، که به ایزراهای سیاسی و نظامی خشن و خطرناک قدرت پایگاه قاتل‌نی مجهز شد. یکی، منابع طبیعی دیگران را زرآهای یجاد نسبات مستقیم با غیرمستقیم برپایه تاکتیک‌های نظامی نیرومند را اختیار می‌گیرد و موضع خود را زرآه انحصار داشت فنی، اطلاعات و ایزراهای مالی و اعتباری حراست می‌کند، و دیگری حتی در مورد منابع طبیعی کمیاب خودنمی‌تواند در بر این قدرت مقابل عرض اندام کند و راه اقتصادی درستی در پیش گیرد. در شرایط امروزی، تقسیم بین المللی کار بین شمال صنعتی بر جنوب‌های جنوب از راه استفاده از منابع طبیعی آنها توزیع نامترکارن^{۲۲} منابع جهانی نیست.^{۲۳}

آمریکای شمالی، روسیه، اروپا، که کل جمعیت آنها به یک میلیارد نمی‌رسد، ذخایر تجدیدنشدنی نفت و گاز و مواد خام بیشتری از سه قاره جنوب دارد که جمعیت آنها از دیک به ۴ میلیارد نفر است (Massarat, 1993, p.185); (Simmons, 1991). اگر سهمیه سرانه منابع ملاک قرار گیرد، توزیع نامترکارن منابع مشاهده خواهد شد. البته در این توزیع کفه ترازو به ضرر جنوب بر اتاب سنگین تر خواهد بود. تقسیم کار بین المللی نامترکارن کنونی، که در چارچوب آن قاره‌هایی که مواد خام چندانی ندارند مواد خام مورد نیاز کشوری مانند آمریکا که از ظرف مواد خام غنی است تأمین می‌کنند، در حقیقت، جنوب که گفته شد، تتجیجه تحمیل انبوه هزینه‌های استفاده از منابع طبیعی از سوی کشورهای صنعتی بر کشورهای جنوب است.

۵-۲) هزینه‌های تحمیلی و استثمار.

این دو نظریه چه فرقی دارند؟

نظریه هزینه‌های تحمیلی و نظریه بهره‌کشی (استثمار) مارکس یکی نیست. این دونظریه، فرایندهای اقتصاد جهانی بکسره متفاوتی را در سطح

از آن پس، بهره‌برداری از چاههای نفت غنی خاورمیانه، شمال آفریقا و آمریکای جنوبی، توسعه بهره‌برداری از معدنهای مس، شیلی و معدنهای طلای آفریقای جنوبی، به عنوان چند نمونه بارز، پایه‌مادی ضروری و بی‌جون و چرای رشد اقتصادی افسار گسیخته در کشورهای مرفقه و ثروتمند جهان شد. به جای افزایش قیمت مواد کمیاب که بويژه در

● در شرایط امروزی
 تقسیم بین المللی کار بین
 شمال صنعتی و جنوب
 صادر کننده مواد خام به
 هیچ وجه نتیجه توزیع
 نامتقارن منابع جهانی
 نیست.

جهان دامن می‌زند، استانداردهای اجتماعی نسبتاً پیشرفت‌شمال را فرمی‌ریزد بی آنکه استانداردهای اجتماعی در جنوب کیفیت بالاتری پیدا کند.

۳- ارزان فروشی ساختاری از راه هزینه‌های تحمیلی

از دیدگاه اقتصاد کلان، و با این فرض که تحمیل هزینه‌ای در کار نباشد، قیمت‌های بازار، که از نظر اجتماعی و زیست محیطی درست باشد، با فرمول زیر بیان می‌شود:

$$(1) \quad P_c = MC + E_r + P_{nr} + p_t$$

که در آن P_c عبارت است از قیمت‌های (مطلق) بازار که از نظر اجتماعی و زیست محیطی واقعی است، MC عبارت است از هزینه‌های اقتصادی نهایی E_r ،^{۲۴} P_{nr} عبارت است از هزینه‌های زیست محیطی منابع قابل تولید مجدد منابع زیست محیطی (برای اجتناب از تخریب محیط‌زیست) و p_t بهای کمیابی منابع تجدیدنشدنی است (Massarrat, 1994). پس، در راستای نظریه تحمیل هزینه‌ها، مشاهده می‌شود که قیمت‌های موجود بازار جهانی از دیدگاه اجتماعی و زیست محیطی قیمت‌های واقعی نیست، بلکه قیمت‌های تنزل داده شده (dumping prices) اقتصاد کلان می‌باشد که فرمول آن به شرح زیر است:

$$(2) \quad P_a = (MC - EC_1) + (E - EC_{nr}) + (P_{nr} - EC_{nr})$$

که در آن EC_1 هزینه‌های تحمیلی بر نیروی کاریا عامل دمینگ اجتماعی^{۲۵} EC_{nr} هزینه‌های تحمیل شده بر منابع زیست محیطی قبل تولید مجدد، EC_{nr} هزینه‌های تحمیل شده بر منابع تجدیدنشدنی و عامل $EC_{nr} + EC_{nr}$ طبق نظریه هزینه‌های (Massarrat, 1994) تحمیلی، قیمت‌های بازار اقتصاد کلان زیر سطح هزینه‌های نهایی خالص کسب و کار قرار می‌گیرد (معادله ۳). و این در حالی است که هزینه‌های زیست محیطی ($E = EC_{nr}, P_{nr} = EC_{nr}$) به طور کامل به حوزه خارج از دایرۀ اقتصادی موجود تحمیل شده باشد، که در عمل غالباً چنین است و نیز هزینه‌های اجتماعی.

$$(3) \quad P_d = MC - EC_1$$

از آنجا که این قیمت‌های مصنوعی ارزان گنرا نیست بلکه بیشترگی دائمی نظام اجتماعی دومحوری جهان است، تنزل ساختاری مصنوعی قیمت‌هادر

ملی و جهانی تشریح می‌کنند که البته مکمل یکدیگرند.

رابطه بین طبقات اجتماعی در محل کار و اقتصاد ملی، در قلب نظریه بهره کشی و ارزش اضافی^{۲۶} مارکس قرار دارد. تایین جام سئله اساسی منشأو مکانیسم توزیع در شرایط طبیعی یعنی شرایط بازار متوازن و متقاضان است. اما هدف نظریه هزینه‌های تحمیلی، توزیع هزینه‌های اجتماعی و زیست محیطی بین واحدهای تولیدی و خدمات و طبقات اجتماعی در درون اقتصاد ملی، بین مناطق و کشورهای درون اقتصاد جهانی با شرایط نامتوازن و نامتقارن بازار، و بین نسلهای در چشم انداز تاریخی جهانی است. نظریه ارزش اضافی یا به خود رابر روابط و مناسبات تولیدی بین طبقات اجتماعی تابه ابر قرار می‌دهد، اما نظریه هزینه‌های تحمیلی بر مبادله تابه ابر بین شرکتها، منطقه‌ها، کشورها و نسلهای انگشت می‌گذارد. هر دو نظریه به هزینه‌های اجتماعی که می‌رسند اعطا فیض نیز می‌شوند. بنابر نظریه هزینه‌های تحمیلی، مبادله تابه ابر بین نسلها باید در پر توبه کاری بی بهره نسل امروزه و نسلهای آینده دیده شود. تردیدی نیست که تعیین قدر کمی این بدھ کاری بی بهره دشوار است اما ممکن است برای نسلهای آینده اهمیتی حیاتی داشته باشد.

۴- ۲) رشد اقتصادی، هزینه‌های

تحمیلی و جهانی شدن

هر الگوی رشدی که کلایه اجر ناپر تحمیل هزینه‌های اجتماعی یا زیست محیطی استوار باشد متگی به خود تحویل داده بود و بنا بر این پایدار نمی‌ماند. از این رو، بالگوهای رشد فقر آفرین و مخرب محیط زیست، یا ترکیبی از هر دو، سروکار داریم.^{۲۷} شکلهای تاریخی جهانی شدن (تولید مواد خام و ایجاد کشتزارهایی که با کشیدن کار از بردگان محصولات صادراتی تولید می‌کردند) در حد خود به استقرار این الگوهای رشد کمک کرد. به نظر می‌رسد که جهانی شدن امروزی آثاری متفاوت داشته باشد. از سوی، فرایندی ایجاد شده که اشتغال جهانی را شمال به جنوب به حرکت در آورده است اما تدبیر سیار وجود دارد که با انتقال اشتغال به جنوب، فرایندهای رشد متگی به خود سر برآورد. از سوی دیگر، گرایش به جان هم انداختن نظامهای اجتماعی را در سراسر

ورفاه از راه تحمیل هزینه‌های زیست محیطی حاصل شده است.

۴- نظام اجتماعی دومحوری جهانی

نظریه‌های امپریالیسم قدیم و نظریه‌های واپسگردی، کم‌بایش، پدیده‌نامقابله نامتقابله نروت و نیز اهرم‌های توزیع درون جامعه و بین نسلهار اکه ناشی از دمپینگ ساختاری (structural dumping) است پیوسته نادیده گرفته‌اند. گذشته از این، میدان تحلیل آنها به رفتارین کشورهای مناطق محصور می‌شود (تزمیر کزیرامون).^{۲۰}

به حساب فرض‌های تردید آمیز آنها، نظریه‌های مبادله‌نایاب ابرآمانوئل (۱۹۶۹)، امین (۱۹۷۵)، و دیگران، به کشفی تازه در باره مکانیسم‌های توزیع و تعدیل اقتصادی دست یافته است (Massarrat, 1978).

نظریه نظام دومحوری گویای کوششی است در راه تحلیل حساب شده توزیع نامتقابله نروت برایه هزینه‌های تحملی و ارزان فروشی مصنوعی ساختاری کالاهای مفهوم کلیدی این نظریه، نایاب‌تر قدرت^{۲۱} است. در ادامه بحث‌ها و بررسی‌های پیشین (Massarrat, 1993) ابتدا به

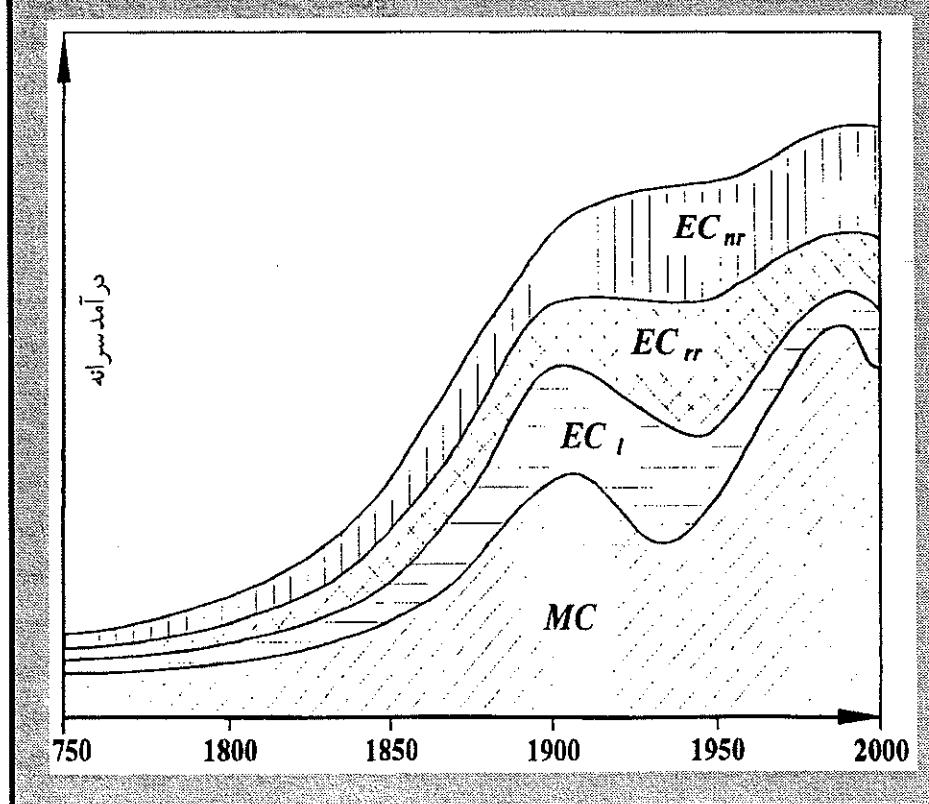
اقتصاد جهان بایدهمۀ کالاهای تولیدشده و کالاهای ساخته شده‌ای را که ارزش بولی دارد بگیرد. این امر از یک سو فقر و بیماری و خطر بازگشت بیماری‌های همه گیر را بهره کشی افرادی از نیروی کار انسانی افزایش می‌دهد و جلوی ظهور ساختارهای اجتماعی اقتصادی پایدار را می‌گیرد، و از سوی دیگر از طریق بهره‌داری بسیاری از دیده‌از «سرمایه‌طبعی»^{۲۲}، تغیری افسار گسیخته محیط زیست و مصرف پر ریخت‌پیاش، موجب ظهور ساختارهای اجتماعی اقتصادی ناپایدار می‌گردد.

بر اساس نظریه هزینه‌های تحمیلی، ساختار در آمدسرانه کشورهای صنعتی در طول ۲۵۰ سال گذشته را می‌توان به طور معمول در قالب نمودار (۱) نشان داد. این نمودار برایه این فرض محکم استوار است که عامل دمپینگ اجتماعی، یعنی تحمیل هزینه‌های اجتماعی تأییمه‌قرن بیستم شکل غالب و رایج هزینه‌های تحمیلی بوده و حال آنکه پس از گذر از سرمایه‌داری منچستری (سرمایه‌داری ظالمانه) و استثمار گرانگلیس در قرن نوزدهم م. (به اقتصاد بازار اجتماعی^{۲۳} (پایان جنگ جهانی دوم) بخش عمده‌ای از رشد اقتصادی و افزایش تصاعدی ثروت نادیده می‌گیرد.

● اقتصاد کلاسیک و

نوکلاسیک، شرایط برابری کامل بین همه بازیگران بازار جهانی را امری مسلم می‌انگارد و عوامل غیر اقتصادی مانند استفاده از قدرت به عنوان اهرمی برای افزایش ثروت را نادیده می‌گیرد.

نمودار (۱): شعاعی از ثروت و رفاه (در آمدسرانه) کشورهای صنعتی از راه تحمیل هزینه‌ها



● تردیدی نیست که
مکتب نوکلاسیک برای
مضلات عصر حاضر
یعنی نابرابری در سطح
جهان و بحران محیط
زیست راه حلی نشان
نمی دهد.

۴-۱) اثرات نظام دومحوری^{۲۴}

ویژگی نظام اجتماعی دومحوری جهانی این است که بازارهای سیاست توسعه اقتصادی و همچنین مکانیسم‌های کنترل بازار در دو بخش مختلف نظام به تایجی متفاوت می‌اجامد که حتی از جهتی خلاف مقصودند یعنی از سویی بازار سازگارند و از سوی دیگر در تضاد و تناقض با آن قرار دارند. این همان چیزی است که آن را ثبات نظام دومحوری خوانده‌ام. نمونه‌های زیر منظور را دقیقترا نمایان می‌کند:

۱- در سرمایه‌داری نوع منجستر، نابرابری قدرت موجب صنعتی شدن، افزایش بهره‌وری و توان تولید و رشد اقتصادی می‌گردد تا بر ثروت بخش مسلط بیفزاید و زندگی پر تجمل آن را رونق بخشید و حال آنکه تایج بار آمده در بخش ضعیف و ناتوان عبارت است از افزایش ساعتهای کار، کاهش سطح واقعی دستمزدها و افزایش فقر و فلاکت و سیمروزی (اشاعه فقر).^{۲۵}

۲- بازارهای نامتسوازن منابع با تولیدبی رویه و افراطی ساختاری، تیجهٔ نابرابری قدرت بازیگران بازارهای جهانی در نیمهٔ اول این قرن است. جانب تقاضا (بخش مسلط نظام) در عین حال، مقدار عرضه را کنترل می‌کند. صاحبان منابع در بخش ضعیف نظام، قدرتی ندارند که نظام و انتظام بازار را کنترل کنند (بازار دجلار تقاض می‌شود). نشانه‌های کمیابی منابع تجدیدنشدنی نقش خود را در تنظیم تقاضا از دست می‌دهد (باز هم تقاضی دیگر در کار بازار). تولید بی رویه ساختاری و قیمت‌های بی‌انعطاف بازار جهانی ویژگی اساسی بازارهای منابع مواد خام جهان می‌شود. در حالی که بخش مسلط نظام، به برکت دسترسی به مازاد تولید (overproduction) و منابع اضافی بهای نازل، به رخهای رشد بالا دست می‌پاید، مدل هنری فوردرانیزرونق فرآوان می‌باشد. بخش ناتوان نظام پایگاه منابع خود را دست می‌دهد و بدین‌آدئه تک ساختاری بخش مسلط نظام تبدیل می‌شود.

۳- نابرابری اقتصادی، چهار نظر اقتصادی و چهار نظر سیاسی بر نظام دومحوری موجود اثراهای معکوسی می‌گذارد. این امر بتویه در رخهای بهره‌و سیاستهای پولی بین‌المللی و در نظام گات صادق

شرح هستهٔ مرکزی این نظریه می‌پردازم و سپس اثرهای متعدد نظام دومحوری را در جامعهٔ جهانی از نظر می‌گذرانم.

نظام دومحوری جهانی از دو نظام بهم تبایه تشکیل شده است که به طور کیفی از یکدیگر قابل تشخیص است. در این سو نظم اجتماعی اقلیت است که همه کارتهای برندهٔ قدرت و قانون را درست دارد. این اقلیت الگوی رفتاری و نظام ارزشی خاص خود را دارد که بر پیشینه ساختن منافع اخص او استوار است. در آن سو، نظام اجتماعی اکثریت است که آشکارا قدرت نازل‌تری دارد، و معمولاً به سبب رقابت با نظام اجتماعی چهراهای که به آن اشاره شد، اسیر ارزشهای دست و پا گیر خویش است، و ناگزیر است در تلاش کسب قوت لایمود روزگار بگذراند. توانایی پیشینه ساختن منافع در نظام دوم بسیار اندک باختی صفر است. بازار جهانی شالوده تعامل یا اندرکش^{۲۶} و ارتباط بین این دو نظام است. در این نظام دومحوری، شریکان بازار از رده‌های پایین نظام اجتماعی خواه تأمین کننده باشند و خواه مشتری اقتدار خود را دست می‌دهند و فرستندهٔ نمی‌باشند تا به عنوان بازیگرانی برابر عمل کنند. آنان به شکل بازیگرانی منفعل در می‌آیند، مناسبات ساختاری نامتسوازن بازار، تقسیم کار نامتناصر و توزیع ثروت بی تقارن دوباره ایجاد می‌شود؛ شکاف بین فقیر و غنی و فاصله بین گروههای اجتماعی و کشورهای راه جامعهٔ جهانی عمیق تر می‌گردد؛ سازوکارها (مکانیسم‌ها) کنترل بازار به بازارهایی مؤثر برای افزایش ثروت و قدرت نظام مسلط تبدیل می‌شود؛ منطق عقلانی و اقتداری کنترل بازار وارونه می‌گردد و آثار و نتایجی مغایر با قانونهای بازار بار می‌آید (اثرات نظام دومحوری). مقولهٔ نابرابری قدرت در این اصل نظری شامل فرستنده‌ها و امکانات دخالت سیاسی و نظامی، امکانات نابرابر در استفاده از بازارهای اقتصادی و فرهنگی، نهادهای اورژیم‌ها بخش مسلط نظام اقادرمی سازد تا بر شروط خود بیفزاید، بی‌آنکه عملکردی بهره‌وری خود را بهبود بخشیده باشد. بخش مسلط نظام، ثروت و قدرت را به فرزندان خود منتقل می‌کند و بر سبکهای زندگی و عادتهای مصرفی جامعه اثر می‌گذارد و سلطهٔ فرهنگی خود را بر تمام شیوه‌های زندگی اعمال می‌نماید.

محصول خام کشاورزی تولیدمی‌کنند و به خاطر تثبیت در آمد خود مقدار عرضه محصول را از راه افزایش نیروی کار و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی افزایش می‌دهند.

این عوامل از راه بیرون راندن رقبه‌بان از صحته رقابت^{۲۱} که پیامد گرگونی ساختاری و برنامه‌های کملک به صادرات است تقویت می‌گردد. از این راه است که گرایش بی انعطاف امروزی قیمت مواد خام تقویت می‌شود و تقاضا با قیمت‌های پایین اشباع می‌گردد. خالی شدن صحنه از رقیبان، در بخش چیره و مسلط نظام دومحوری، بازاری متوازن ایجاد می‌کند و برای کاهش قیمت‌ها حدو مرزی تعیین می‌نماید، اما در بخش ناتوان نظام دومحوری برخلاف انتظار به برهم خوردن تعادل بازار و تولید بی‌رویه می‌انجامد.

حاکمیت بر بازار عرضه کننده مواد خام به ظاهر قدر تمندی مانند اوپک یا زیربانه‌ده می‌شود و دیری نمی‌گذرد که سرجای اول خودنشانده می‌شود که همانند گذشته و استگی خود را باین و آن بازیابد. دیری است که سیاست افزایش قیمت نفت اوپک جای خود را به افزایش بی‌رویه تولید و فروش آن به بهای نازل و نامعقول داده است.

یکی از مطالعات اخیر بانک جهانی (World Bank, 1995) نشان می‌دهد که توفیق رشد چند کشور در حال توسعه (بد استثنای آسیای جنوبی) با بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی حاصل شده است (رشدی که موجب تحریب محیط‌زیست شده است).

بنابراین نظام دومحوری، نظامهای دومحوری تریبان مانندی را می‌توان تشخیص داد: درجهت عمودی در درون کشورها (اصحاب‌داری، کارگران وابسته، تولید کنندگانی که معیشتی بخور و نمیر دارند واقیت‌های قومی)، و درجهت افقی بین کشورها و مناطق (کشورهای صنعتی، کشورهای صنعتی شده نویای جهان سوم و اروپای شرقی، کشورهای در حال توسعه). در تاریخ جهان، نسلهای آینده به سبب اینکه در برابر نسلهای کنونی کاری از دست‌شان ساخته نیست در انتهای این تریبان قرار می‌گیرند. نظام دومحوری مبتنی بر جنس یعنی پدرسالاری، در همه مراحل هرم سلسه‌مراتبی نظام دوگانه‌ریشه دوانیده است. در طول تاریخ، مردم را این نظام در خانواده و جامعه از امتیازاتی ویژه بخوردار بوده است. آمازن

است پول‌های معتبر (دلار آمریکا، مارک آلمان، بن زاپن و فرانک سویس) در بخش مسلط نظام دومحوری قرار دارند. اقتصادهای این بخش، در کل، مازاد تراز پرداخت‌دارند و کشورهای آن اعتبار دهنده هستند، در حالی که اکثریت کشورهای بدھکار در بخش

ناتوان نظام دیده می‌شوند. هر نوع سیاست افزایش نرخ بهره در بخش مسلط نظام بطور معمول به مرور سرمايه‌دوی ایجاد استغال در بخش عمومي می‌انجامد. نرخهای بهره‌بین‌المللی اگر بالا بشد پیامدهایی مرگبار بر بخش ناتوان نظام تحمیل می‌کند:

(الف) افزایش روزافزون بهره‌برداری از منابع طبیعی بطوری که قیمت‌های مواد خام بیش از بیش تازل باید.^{۲۲}

(ب) خروج سرمایه و افزایش روزافزون برداخت بهره‌بردار کشورهای بدھکار که باز هم بهره‌برداری از منابع و قیمت مواد خام در کشورهای صادر کننده مواد خام اثر منفی خواهد گذاشت. تردیدی نیست که افزایش چشمگیر نرخ بهره در بخش ناتوان نظام نیز موجب بروز سرمایه‌می‌شود، اما در عین حال جلوی سرمایه‌گذاری را در بازار داخلی سدمی کند. نظام گات اثرات نامتقارن نظام دومحوری در کشورهای در حال توسعه را تشید کرد. کشورهای در حال توسعه غالباً در بای میز مذاکره و اداریه آزادسازی^{۲۳} شده‌اند اما بسیاری از محلودیتها که به منظور حفظ محصولات کشاورزی زاپن و اروپا ایجاد شده بود دست نخورده باقی مانده است. تدبیر حمایتی از محصولات صنعتی آمریکا در برابر رقابت

محصولات زاپنی و اروپایی نیز همچنان بر جاست.

۴- استراتژی‌های توسعه نولیبرالی مانند برنامه کملک به صادرات بانک جهانی و برنامه‌دگرگونی ساختاری صنعتی بین‌المللی پول در اقتصادهای تک ساختاری بخش ضعیف و ناتوان نظام (یش از ۷۰ کشور در حال توسعه اقتصاد تک محصولی دارند) به طور معمول عدم تقارن موجود در تجارت خارجی (صدور مواد خام در برابر وارد محصولات ساخته شده) را تشید می‌کند. مطالعات اخیر^{۲۴} نشان داده است که هدفهایی مانند تنویر بخشیدن به صادرات، رشد متنکی به خود و تایج مشبّت زیست محیطی به ندرت تحقق یافته است. دلیل این امر سیاست بقای^{۲۵} کشورهای کوچک عرضه کننده منابع معدنی و وجود جماعتی انبوهای کشاورزان خرد پاس است که

● پیش شرط مهم برای طراحی استراتژیهای اصلاحات در چشم انداز جهانی این است که برخی از نقص‌ها و کمبودهای بنیادی نظریه اقتصادی رایج و مسلط را بشناسیم و از سر راه برداریم.

● نابرابری قدرت

سیاسی و اقتصادی در طول تاریخ موجب شده است که باز هزینه‌های اجتماعی و زیست محیطی بر قشرها، نیروهای اجتماعی ضعیف یا کشورهای دیگر و نسل‌های آینده تحمل کردد.

سومین گزارش سازمان ملل درباره توسعه انسانی (UNDP, 1992) برای نخستین بار سیاهه‌ای (لیستی) از انتقال‌های ناخواسته در آمدوسرمایه جنوب به شمال را در اختیار گذاشت.

در این گزارش که اکنون انتشار یافته، (UNDP) ۱۹۹۶، نشان داده شده است که اختلاف ثروت بین ۱۵ کشور ثروتمندتر از همه و ۷۰ کشور فقیرتر از همه جهان افزایش چشمگیر یافته است.

مفهومی که در اینجا ارائه شد پایه نظری این فرایند هارا که به تجربه ثابت شده در اختیار می‌گذارد. نظریه هزینه‌های تحمیلی انتقال‌های ناخواسته از جنوب به شمال را به طور نظری ثابت می‌کند، اما ساختار درونی نظام اجتماعی دو محوری جهان مسئول افزایش شکاف بین ثروتمندان و تهیستان است.

بنابراین، پیش‌شرط اساسی برای استقرار ساختارهای پایدار، از میان برداشتن نظامهای دو محوری است. اصلاحات ضروری برای انجام این مقصد را باید در عرصه سیاسی جستجو کرد. وارونه کردن صرف اصل نابرابری قدرت و تعویض آن با اصل برابری قدرت توهّم مساوات طلبی^{۴۲} را دمن خواهدزد و با وجود تفاوت در توانایی ها و ظرفیت‌های انسانی و طبیعی در این هم‌ازمناطق گوناگون جهان، راه به جایی نخواهد برد. به نظر من، کلید اصلاحات جهانی برای آینده اصل فرصت‌های برابر^{۴۳} است که در هر کشوری، بین شمال و جنوب، و بین نسلهای امروزی و نسلهای آینده باید استقرار پاید تا حاکمیت دیریایی هم‌بازیگران ذینفع تأمین و تضمین گردد.

گام اول در ایجاد فرصت‌های برابر بین نظامهای منفصل افقی، تدوین معیارهای استانداردهای اجتماعی و زیست محیطی حداقل از جمله تدوین مکانیسم‌های اجرایی موردن توافق بین المللی است. از راه تدوین ضابطه‌های جهانی برای ساعتها کار هفتگی، تعطیلات سالیانه، تأمین اجتماعی در سن بازنشستگی یا در شرایط بیماری، غیرقانونی کردن کار کودکان و رفع تعییض بین زن و مرد و نیز از راه تدوین حداقل ضابطه‌های معیارهای جهانی برای حفظ محیط‌زیست، باید بتوان جلوه‌زینه‌های اجتماعی و زیست محیطی را که از بالا به پایین تحمیل می‌شود گرفت و نگذاشت که محله‌ها، منطقه‌ها و

چهارراه‌های ابری قانونی و چه از راه تعییض، زیرستم مضاعف بوده است. نردنban نظام دو محوری در نردنban اجتماعی رشد و توسعه جهان تکرار می‌شود؛ از سوی درون کشورها و منطقه‌های افزایش ثروت و ایجاد امکانات رشد در دست عده‌ای اندک یا چند کشور ثروتمندو برخوردار از همه جیز، و از سوی دیگر در کاهش بخت توسعه و بقای بخشی بزرگ از جماعتیت جهان و نسلهای آینده. این ساختارهای شکل گرفته در طول تاریخ در جامعه جهانی از بین و بن نایاب داراست. استراتژی هایی که این ساختارهای ابتداء و بد حساب نیاورده محکوم به شکست است.

۵- انجام اصلاحات جهانی برای رسیدن به جامعه جهانی پایدار از راه ایجاد

فرصت‌های برابر

بر اساس تحلیل قبلی، پیش از این که راه حل‌های ممکن ارائه شود، سه نکته را می‌توان مطرح نمود:

- (الف) نظریه نظام دو محوری و تحمیل هزینه‌ها
- با اینکه این باور را بی‌تجاذب کشود که ثروت کشورهای صنعتی منحصر ابی‌بایه فقر کشورهای جنوب بناشده است، این ثروت تاحدی تیجه افزایش عملکرد و بهره‌وری در خود این کشورهای است، اما فقط تاحدی.
- (ب) تقسیم کار بین المللی کنونی و کل جریان تجارت، پول و سرمایه برآمد از آن نه فقط تیجه وجود تفاوت در تدارک عوامل تولید و تفاوت مزیت نسبی هزینه‌هاست بلکه تاحدی زیاد تیجه استراتژی‌هایی است که تحمیل کننده هزینه‌های اجتماعی و زیست محیطی بوده است.

(ج) تقسیم کار بین المللی و تجارت آزاد بخلاف القائمه متقدان، به خودی خود علت اصلی نارسانی‌های ساختاری اقتصاد جهان بوده است. این راهم باید اضافه کرد که تجارت آزاد فرشتۀ حمایتی نیست که در هم‌جاماردم را به خوشبختی برساند. کسب و کار و تجارت آزاد از امر مؤثر تخصیص منابع در اقتصاد بازار است. در رابطه با آزادی بی‌حدود حصر اقلیتی که امتحانات فراوانی در انحصار خوددار و می‌تواند هزینه‌های از راه تحمیل کند، کسب و کار و تجارت آزاد می‌تواند شکر خود را در سیاستهای توسعه محیط‌زیست عوض کند و به ایزاری مؤثر در استقرار ساختارهای نایاب دار تبدیل شود.

جامعه‌جهانی به جان هم بینند.

گردید. مقصود اولیه‌این واژه آن است که توسعه‌ورش اقتصادی هنگامی پایدار خواهد بود که مانع توسعه‌ورش اقتصادی نسل‌های آینده یا سایر جوامع فعلی نگردد. در این فاصله‌نوشته‌های زیادی در نقدهای‌گسترش و تأثید این مقوله در محافل علمی جهان انتشار یافته است. به نظر نویسنده‌این مقاله، شوری توسعه‌یاباریک دستار در مهم علمی به شمار می‌آید و با تعمیم آن به روابط اجتماعی و سیاسی درون‌جوامع و روابط اقتصادی سیاسی و زیست‌محیطی بین جوامع بخصوص شمال و جنوب راهگشای مهمی نیز در زمینه تحقیقات علمی وهم در زمینه عملکرد سیاسی دولتها و سازمان‌ملل در آینده خواهد بود.

2. structural adjustment program

3. costexternatisation

4. external effects

5. Arthur C. Pigou

6. cost accounting

7. Karl William Kapp

8. Kapp, the Social Costs of Private Enterprise, 1950.

9. social costs

۱۰. برج‌سازی‌های اخیر تهران مصدق بارز تحقق نظریه کاپ است. م.

11. externalised costs

۱۲. از جمله به کار کریستیان لپرت (Leipert, 1989) و تحقیقی که از سوی گروهی علمی که مورد تأیید بین‌المللی است انجام شده (Van Dieren, 1995) می‌توان اشاره کرد. این مضمون در ارتباط با فهم محصول ملی زیست‌محیطی (ecological national product / Leipert, 1955) نقشی مهم ایفا می‌کند. در اینجا، روش محاسبه پس اندازها بدون منظور کردن هزینه‌های هزینه‌های سرمایه‌ای طبیعت مورد بحث قرار گرفته و گفته شده است که محافل علمی به سوی ارزش‌یابی پولی محصول منابع طبیعی در درون کل تعادل سیاسی اقتصادی گراییده‌اند، بهر حال در همه‌مله‌حظانی که تامروز مطرح شده، فقط هزینه‌های تحمیل شده زیست محیطی به حساب آمده است. هزینه‌های تحمیل اجتماعی همچنان که به حساب نیامده است.

13. productivity

14. comparative cost advantage

۱۵. شایان ذکر است که توریسین‌های نوکلاسیک تئیسم کار و تمرکز نوع تولیدات در شمال و جنوب و ارزان بودن قیمت تولیدات صادراتی جنوب را به مزیتهای اقتصادی مربوط به تقسیم نابرابر عوامل تولید یعنی نیروی کار و منابع طبیعی فراوان در جنوب از یک طرف و فور سرماهی و پیشرفت‌های فنی در شمال از طرف دیگر بربطی دهنده، در حالی که دلائل اصلی این تقسیم کار و تعیین قیمت را کشور ایط‌سیاسی و اجتماعی استفاده از عوامل تولیدی باشد از حیطه‌دید خودبیرون می‌داند. جز بعضی از فراوردهای طبیعی گرمسیری (از

فرصت برای بین‌نسل‌های اینکه نسل امروزی متعهد شود از دست اندازی و سیع به محیط‌زیست دست بردار و متخلصان و متجلواز ان رانیز مجازات کند. لازم است حقوق مسلم نسل‌های آینده در قوانین اساسی کشورها و منشور سازمان ملل متحده به رسمیت شناخته شود بطوری که نسل‌های آینده از این راه در تصمیم‌های حیاتی امروز دخیل گردد. باید برای بازیگران بالقوه‌ای که خود حضور ندارند نوعی شبه حاکمیت بازار پیدا آید. ایجاد فرست برا بر در ارتباط با محیط‌زیست ایجاب می‌نماید که ارزیابی جدیدی از حق مالکیت قانونی بر منابع طبیعی حیاتی (آب، جنگلها، منابع انرژی و منابع مواد خام) در دستور کار جامعه‌جهانی قرار گیرد. امتیازهای ویژه‌ای که بر حسب اتفاق بدست آمده، سدر ایجاد فرستهای برای در بخششایی از جهان است.

تحقیق آرمان فرستهای جامع و همه‌جانبه برا بر در سطح جهان، شرایط اساسی مناسبات جهانی جدید را با عنایت به همه‌تفاوتهای سطح دستمزدها، سبکهای زندگی و جلوه‌های گوناگون ناشی از ظرفیت‌های منطقه‌ای، توانایی‌های انسانی و ویژگیهای فرهنگی ایجاد خواهد کرد. در هر کشور و هر منطقه ایجاد نظم و ترتیبی تو برای گذر از ساختارهای نایابار به ساختارهای پایدار به جالش واقعی حکومتگران تبدیل خواهد شد. البته پرسشی هست که پس از همه این ملاحظه‌های برای انجام اصلاحات، بی‌پاسخ می‌ماند: آیا موتور درونی رشد جبری سرمایه‌داری مهارشدنی است یا نه.

هزینه‌های تحمیل

شده هزینه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی واقعی است که افراد، گروه‌ها و کشورها بردوش جامعه، گروه‌های دیگر، کشورهای دیگر و نسل‌های آینده می‌گذارند تا خرج خود را به حداقل و سود خویش را به حداقل برسانند.

پانویس‌ها

*پروفسور محسن مسرت در دانشگاه اوزنابروک آلمان، علوم سیاسی و روابط بین‌المللی تدریس می‌کند. دکتر مسرت مؤلف ۱۲ کتاب و بیش از ۲۰۰ مقاله علمی به زبانهای آلمانی، انگلیسی، فرانسه، هلندی، زبانی و فارسی در زمینه‌های اقتصاد سیاسی، اقتصاد بین‌المللی، انرژی، اقتصاد محیط‌زیست و جنگهای ایران و عراق و خلیج فارس می‌باشد. م.

1. sustainability through cost internalisation
(sustainable development)
اصطلاح توسعه‌یابار (sustainable development) بخصوص پس از کنفرانس توسعه و محیط‌زیست ملل متحد که در تابستان ۱۹۹۲ در شهر ریو دی ژانیرو (برزیل) تشکیل شد، در محافل علمی و جنبش‌های اصلاح طلب جهانی رایج

● کارکشیدن از
کودکان در خور بذل توجه
ویره است زیرا این روش
کاهش هرچه بیشتر
هزینه ها در دو دهه اخیر
چنان شتابی به خود گرفته
که هشداردهنده است.

منابع

- Amin, S., 1975. Die ungleiche Entwicklung. Essays über die Gesellschaftsformationen des peripheren Kapitalismus. Hamburg.
- Bhagwati, J., 1994. Ein plädoyer für freien Handel, In: Spektrum der Wissenschaften, Digest: Umwelt-Wirtschaft, pp. 48-53.
- Daly, H.E., 1994. Die Gefahren des freien Handels. In: Spektrum der Wissenschaft, Digest: Umwelt-Wirtschaft, pp. 54-60.
- Emmanuel, A., 1969. L'échange Inégal, Paris.
- Kapp, K.W., 1963, Social Costs of Business Enterprise. Bombay, London.
- Leipert, Ch., 1989. Die heimlichen Kosten des Fortschritts. Wie Umweltzerstörung das Wirtschaftswachstum fördert. Frankfurt/M.
- Leipert, Ch., 1995. Auf dem Weg zum Ökosozialprodukt? In: Informationsdienst IÖW/VÖW, No. 2, March-April 1995, pp. 17-20.
- Marshall, A., 1890. Principles of Economics. London, Basingstoke.
- Massarrat, M., 1978, Die Theorie des ungleichen Tausches in der Sackgasse. Versuch einer Erklärung der Terms of Trade, In: Die Dritte Welt, No. 1, pp. 40-73.
- Massarrat, M., 1993. Endlichkeit der Natur und Überfluß in der Markökonomie. Marburg.
- Massarrat, M., 1994. Exhaustible Resources at Dumping Prices. Affluence at the Expense of the South and of Future Generations. Oil. A Case Study. In: The Yearbook of Renewable Energies, 1994.
- Massarrat, M., 1995. Demokratisierung des politischen Systems. Plädoyer für eine Dritte Kammer für soziale Bewegungen und Nichtregierungsorganisationen. In: Blätter für Deutsche und internationale Politik, June 1995.
- Pigou, A.C., 1920. The Economics of Welfare. London.
- Pollmann, G., 1988. Zum Beispiel Kinderarbeit. Bornheim. Merten.
- Reed, D. (Editor), 1996. Structural Adjustment. The Environment and Sustainable Development. London.
- Schily, O., 1994. Flora, Fauna und Finanzen. Hamburg.
- Simmons, I.G., 1991. Earth, Air and Water. Resources and Environment in the Late 20th Century. London, New York, Melbourne, Auckland.
- van Dieren, W. (Editor), 1995. Taking Nature into Account. New York.
- UNDP, 1992. Human Development Report. New York, Oxford.
- UNDP, 1996. Human Development Report. New York, Oxford.
- World Bank, 1995. Monitoring environmental progress, A report on work in progress, Washington.
- قبيل ق فهو، جاي و كاكانو (موز) كبطور عمده به دلائل اقليمي در کشورهای جنوب قابل تولیدمی باشد، کشورهای شمال در اکثر موارد از جمله منابع انرژی فسیلی بخصوص زغال سنگ از منابع طبیعی برآتی باحتمال بیشتری برخوردارند.
16. Frankfurter Rundschau, 4-5 Apr., 1996
17. differentiated groundrent
18. absolute groundrent
19. natural capital
20. resource capital cost
21. inelastic prices
22. asymmetrical distribution
۲۳. این فرض را بج، که انسان را به جای واقعیت می نشاند برایه انسان سازی نظریه توکالاسیکها ناشده است، که آن هم تقسیم کار نامتناصران را ناشی از منابع طبیعی فرلوان جنوب می دارد.
- در نتیجه، نظریه توکالاسیک تقسیم کار، یعنی نظریه تناسب عوامل تولید (factor proportion theory) پیوسته عاقبت کار را بیش بینی می کند. اگر عدم تقارن قدرت و خشونت در این نظریه منظور نشود و تقسیم کار شمال-جنوب فقط به عملکرد آزاد نیروهای بازار نسبت داده شود، تهدیلی که برای تقسیم کار نامتناصران شمال-جنوب باقی مانددستیابی نایاب بر منابع طبیعی است.
24. surplus value
۲۵. آخرین گزارش توسعه انسانی سازمان ملل بین پنج نوع رشد اقتصادی ناپایدار فرق می گذارد: رشدی که اشتغال جدید ایجاد نمی کند، رشد ظالمانه (تروتمندانه) تروتمندی و تهیستانه تهیستانه ترشوند، رشد فارغ از عزم راسخ همگانی، رشدی برشورشدن که به سبب مصرف افراطی و برویه منابع طبیعت و محیط زیست آینده ای برای آن متصرور نیست (UNDP, 1996).
26. economic marginal costs
27. social dumping factor
28. natural capital
29. social market economy
30. dependency theories
31. structural dumping
32. disparity of power
33. interaction
34. dual system effect
35. panperisation growth
36. Fordian Model
37. Massarrat, Interest rate - raw material price mechanism, 1993
38. liberalisation
39. Reed, 1996.
40. survival strategy
41. displacement competition
42. egalitarianism
43. equal opportunities
44. basic condition